

جنگ در عراق: میراث آمریکا، و تهدید امنیت ملی ایران توسط عربستان سعودی

محمد سهیمی

مقدمه

تروریست‌های القاعده در عراق، که خود را نیروهای کشور اسلامی در عراق و سوریه مینامند و در فارسی با نام نیروهای داعش شناخته میشوند، شهر موصل در عراق را به تصرف خود درآورده، مرز بین عراق و سوریه را ویران کرده‌اند، و به سوی بغداد در حال پیشرفت هستند. [دیدبان حقوق بشر](#) و [سازمان ملل](#) هر دو گزارش داده‌اند که اعدام‌های دسته جمعی در مناطق تحت کنترل ای اس‌ای اس در جریان است.

هراس سراسر منطقه را در بر گرفته، چرا که با توجه به جنگ سوریه، نبردهای بی سر و صدا در یمن، وضعیت وحشتناک لیبی، حکومت نظامیان در مصر، و وضعیت بی ثبات در لبنان که گروه‌های مختلف هنوز نتوانسته‌اند بر سر انتخاب رئیس‌جمهور بعدی کشور که توسط پارلمان آن کشور انتخاب میشود به توافق برسند، سراسر منطقه در آتش است، و آینده آن، دستکم برای کوتاه و میان مدت، بسیار تاریک است.

این تحلیل که جنگ جدید در عراق به دلیل تبعیضات بر ضد مردم سنی عراق است کاملاً بی پایه است. در تمامی کشورهای آن منطقه، از ایران گرفته تا عربستان، بحرین، کشورهای عرب خلیج فارس و کشورهای دیگر تبعیض بر ضد این گروه یا آن گروه، و یا بر ضد این مذهب یا آن مذهب وجود دارد، ولی هیچ یک به چنین جنگ وحشتناکی تبدیل نشده‌اند. در خود عراق تا قبل از هجوم آمریکا و بریتانیا به آن، اقلیت سنی به شدت بر ضد اکثریت شیعه تبعیض اعمال میکرد و بنا بر این تبعیض موضوع جدیدی نیست که باعث آغاز چنین جنگی شود. در عین حال، بزرگترین قربانیان جنگ جدید در عراق خود مردم سنی هستند. جنگ در حال حاضر در منطق سنی نشین است، و [دستکم نیم میلیون از مردم عراق](#) که اکثریت بزرگ آن مردمان سنی هستند خانه و کاشانه خود را رها کرده‌اند و به نواحی دیگر پناهنده شده‌اند.

سال هاست که مردم آن منطقه در حال زندگی در وحشتناک‌ترین شرایط هستند. مردم عراق، بعنوان مثال، ۳۴ سال است که در شرایط جنگی بسر میبرند. این شرایط چگونه بوجود آمدند؟ نتایج آن برای منطقه چیست؟ ایران هم مرز عراق، و قسمتی از خاور میانه غرق در خون و آتش است. بنا بر این، اگر این جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی ادامه یابد، امنیت ملی ایران نیز به خطر خواهد افتاد. موضع ایران دوستان چه باید باشد؟

هویت تروریست‌ها

این گروه تروریستی در سال ۲۰۰۴ با نام [جماعت التوحید و جهاد](#) تشکیل شد. اولین رهبر آن ابوموسی الزرقاوی بود که به القاعده وفادار بود، و بعدها در جنگ عراق کشته شد. بعد نام آن به تنظیم قانداث جهاد فی بلاد الریفیداین، یعنی سازمان پایگاه جهاد در کشور دو رودخانه، تغییر یافت، ولی بدلیل وفاداری

آن به القاعده به القاعده در عراق شهرت یافت. بعد از اتحاد با چند گروه کوچک دیگر، و آغاز جنگ در سوریه با نام کنونی آن، یعنی کشور اسلامی عراق و سوریه که با مخفف آن در انگلیسی، یعنی ای اس ای اس، و یا کشور اسلامی عراق و شام شناخته میشود.

برخی از کارشناسان معتقدند که ای اس ای اس را نباید یک گروه تروریستی، بلکه باید یک ارتش غیر منظم یا میلیشیا شناخت. به عقیده خانم جسیکا لوتیس که کارشناس این مسائل است و قبلاً افسر اطلاعات ارتش آمریکا در عراق و افغانستان بود، ای اس ای اس دارای فرماندهی بسیار سطح بالا، قدرت مانور زیاد، تبحر بالا در جنگ‌های چریکی، و مهارت زیاد در پیام دادن به جنگنده‌های خود و ارتباط با آنها در جبهه جنگ است. جنگ در سوریه و مقابله با حزب‌الله لبنان این نیرو را بسیار با تجربه تر و قوی تر کرده است.

ای اس ای اس با گروه‌های دیگری در خاور میانه ارتباط دارد. گروه لبنانی-فلسطینی فتح الاسلام، گروه توحید و جهاد در سوریه، و گروه فلسطینی ارتش اسلام در نوار غزه همگی با ای اس ای اس در ارتباط هستند. به جز سوریه و عراق، این گروه در لبنان و اردن نیز عملیات تروریستی انجام داده است. اصولاً یک خطر عمده این گروه همین ارتباط آن با گروه‌های تروریستی در سراسر منطقه است.

رهبان کنونی گروه ابوبکر البغدادی است. وزارت خارجه آمریکا ۱۰ میلیون دلار جائزه برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری او و یا کشته شدن او شود تعیین نموده است. در آوریل ۲۰۱۳ البغدادی ادعا کرد که جبهه نصرت در سوریه بخشی از گروه او میباشد. ولی رهبان جبهه نصرت، ابو محمد الجولانی اعلام کرد که این چنین نیست، و از آیمین الظواهری رهبر القاعده، که برای دستگیری و کشته شدن او ۲۵ میلیون دلار جائزه تعیین شده است، کمک خواست. الظواهری اعلام کرد که ای اس ای اس باید منحل شود و عملیات آن فقط به عراق محدود باشد، ولی البغدادی آنرا نپذیرفت. در واقع ۸۰ درصد جنگنده گان جبهه نصرت متعلق به ای اس ای اس بودند. در ژانویه گذشته جنگ بین دو گروه در گرفت که صدها جنگنده از دو طرف در آن کشته شدند. کار به جایی رسید که در فوریه گذشته الظواهری اعلام کرد که القاعده هیچ ارتباطی با ای اس ای اس ندارد.

از لحاظ عقیدتی ای اس ای اس یک گروه جهادی و سنی وهابی است، و بنا بر این با وهابیون عربستان، یعنی مرکز این شاخه از اسلام سنی در ارتباط نزدیک است. این گروه دارای هزاران جنگنده است که بسیاری از آنها از کشورهای عرب خلیج فارس، دیگر کشورهای عربی، چینیا در روسیه، کشورهای مجاور دریای خزر که در شوروی سابق بودند، و حتی از بریتانیا، فرانسه، و المان بدان پیوسته‌اند. بسیاری معتقدند که این گروه در حال حاضر از القاعده بسیار خطرناکتر است.

اگر چه این سازمان به زور از مردم ناحیه تحت کنترل خود اخاذی می‌کند، و از بسیاری دیگر هم به زور پول گرفته، ولی بسیاری معتقد هستند که اعراب ثروتمند ناحیه خلیج فارس و عربستان سعودی که از شیعیان متنفرند و آنها را کافر میدانند، به این گروه مخفیانه کمک‌های مالی میدهند. در عین حال، به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، و تشکیل هلال شیعه در آن ناحیه متشکل از ایران، عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان، که در یک مقاله قبلی بدان اشاره شد، کشورهای عرب آن ناحیه را که همگی توسط رژیم‌های بسیار ارتجاعی و سنی بسیار محافظه کار کنترل میشوند، بسیار نگران کرده است. بر طبق گزارش‌های مختلف پس از فتح موصل ای اس ای اس حدود ۴۲۵ میلیون دلار از بانک‌های آن شهر بدست آورده است. علاوه بر آن یک میدان بزرگ نفتی در سوریه توسط این گروه کنترل میشود، و حتی نیویورک تایمز در ۱۱

جون گزارش داد که این گروه برق تولیدی در مناطق تحت کنترل خود را به سوریه میفروشد. این خبر از نظر نگارنده باور کردنی نیست، و روشن نیست که هدف نیویورک تایمز از انتشار چنین خبری چیست.

میراث آمریکا برای منطقه

قبل از هر چیزی باید بر روی این نکته که شرایط کنونی میراث آمریکا برای منطقه است با شدت و قاطعیت هر چه تمام تر تاکید شود. آقای بیل کلینتون، که شدیدترین تحریم‌های اقتصادی را بر ضدّ عراق در دهه ۱۹۹۰ اعمال کرد، و آقای جرج بوش و تیم او، یعنی معاون ایشان دیک چینی، دانالد رامسفلد وزیر دفاع، کاندولیزا رایس وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی، پال ولفوویتز معاون وزیر دفاع، جرج تنت رئیس سازمان سیا، و همچنین نئوکان هائیکه از دهه ۱۹۹۰ طرفدار حمله به عراق بودند، همگی در بر پا ساختن این میراث وحشتناک تاریخی نقش بسیار مهمی بازی کرده‌اند.

زمانی که پرزیدنت جرج بوش قصد حمله به عراق را داشت، وزیر خارجه ایشان، آقای کالین پاول، به ایشان در باره نتایج آن هشدار داد. ایشان جمله معروفی به آقای بوش گفت، "اگر آن [عراق] را بشکنید، صاحب آن هستید"، که معنی آن این بود که اگر به عراق حمله کنید و دولت آنرا سرنگون کنید، مسئول تمامی حوادث بعدی هستید. این صحبت آقای پاول، ژنرال چهار ستاره آمریکایی، رئیس ستاد نیروهای مسلح آمریکا در زمان جنگ اول آمریکا با عراق در سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱، و وزیر امور خارجه آمریکا در دوره اول ریاست جمهوری آقای بوش بود، نه ادعای یک چپ‌گرا و "آمریکا-ستیز"، و یا به قول جنگ طلب‌های ایرانی ایران-ستیز، مارکسیست‌ها و مذهبی‌های "آمریکا-ستیز".

جالب است که خانم هیلاری کلینتون، که مشاور نزدیک همسرش در دوران ریاست جمهوری او بود، و بعنوان وزیر خارجه آمریکا در دوره اول ریاست جمهوری پرزیدنت اوباما از "عقاب‌ها" و از حامیان مداخله نظامی آمریکا هم در لیبی و هم در سوریه بود، و حتی حمله اسرائیل به ایران، حالا از اتفاقات عراق ابراز شگفتی می‌کند. دستکم نیم میلیون عراقی، و احتمالاً تا حدود ۱,۴ میلیون عراقی از آغاز حمله آمریکا و بریتانیا به عراق کشته شده‌اند. به این آمار باید نیم میلیون کودک و نوجوان عراقی را که بخاطر تحریم اقتصادی آمریکا در دهه ۱۹۹۰ جان خود را از دست دادند، اضافه کرد. رژیم صدام حسین یک رژیم دیکتاتوری سکولار وحشتناک بود. ولی آیا سرنگونی رژیم او آنقدر ارزش داشت که تا حدود ۲ میلیون عراقی جان خود را از دست بدهند، و عراق چنین سرنوشتی داشته باشد؟ حدود دو سال پیش نگارنده در تلویزیون اندیشه مناظره‌ای با دکتر علیرضا نوری‌زاده داشت. زمانی که همین سوال را نگارنده از دکتر نوری‌زاده کرد، ایشان پاسخ دادند که عراق حالا دارای ۲۸۰ روزنامه آزاد است، که میشود یک روزنامه در ازای هر هفت هزار عراقی کشته شده. خوانندگان گرامی خود تصمیم بگیرند که کدامیک با ارزشتر است.

همانطور که آقای سرگی لاوراف وزیر خارجه روسیه گفت، تحولات عراق شکست کامل ماجراجویی آمریکا و بریتانیا در خاور میانه را نشان میدهد. نکته مهم دیگر این است که نئوکان‌های آمریکا و آنچه که ضدّ جنگ‌های این کشور، از جمله نگارنده، به آن حزب جنگ می‌گویند که خانم کلینتون یکی از اعضای برجسته آن است، پرزیدنت اوباما را برای تحولات عراق سرزنش میکنند، در حالیکه خود نقش اساسی در حمله به عراق بازی کردند. خانم کلینتون یکی از سناتورهای دمکرات بود که به قطعنامه سنای آمریکا برای اجازه دادن به آقای بوش برای حمله به عراق در پاییز ۲۰۰۲ رأی مثبت داد.

نقش تحولات سوریه

یک دلیل مهم تحولات عراق وضعیت جنگ در سوریه است. از زمان دخالت مستقیم جمهوری اسلامی و سپاه قدس، به همراه حزب الله لبنان در سوریه، ورق به نفع دولت آقای بشار الأسد چرخیده، و دیگر هیچ کارشناس واقع بینی تصور نمیکند که آقای اسد و رژیم او را بتوان از طریق نظامی بدون دخالت غرب سرنگون کرد. این را [کارشناسان اسرائیلی](#) و [آمریکایی نیز تأیید کرده‌اند](#). این برای عربستان سعودی [شکست بزرگی است](#). این کشور با این تصور که شکست دولت اسد در سوریه و سرنگونی رژیم ایشان به ضعف شدن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان منتهی خواهد شد، میلیاردها دلار بودجه و اسلحه در اختیار شورشیان سوریه قرار داد. با تغییر جهت جنگ به سود آقای اسد، تا بدان جا که ایشان حتی "انتخابات" در سوریه برگزار کرد و عفو عمومی اعلام نمود، تعداد زیادی از جنگندگان ای اس ای اس از سوریه به عراق رفتند. در عین حال، بدلیل تحولات داخلی عراق و ضعف دولت و ارتش این کشور، ای اس ای اس در جایگاه نیرومندی قرار گرفت. عربستان نیز که همیشه به شادت مخالف به قدرت رسیدن شیعیان در عراق بوده است و از آن وحشت داشته است، حالا تمرکز خود برای تضعیف جمهوری اسلامی را بر عراق نهاده است..

در عین حال، این جنگ سوریه بود که [باعث زنده شدن دوباره ای اس ای اس شد](#). تا قبل از جنگ سوریه ای اس ای اس به مقدار زیادی شکست خورده بود. ولی دخالت غرب و متحدان منطقه‌ای آن، یعنی عربستان سعودی، قطر، کویت، اردن، و ترکیه که جنگ داخلی سوریه را که یک نبرد بین نیروهای دمکراتیک و حکومت دیکتاتوری سکولار آقای اسد بود تبدیل به یک جنگ فرقه ای/سنی بر ضد شیعه کردند، که باعث مداخله مستقیم جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان نیز شد. این موضوع باعث شد که نیروهای تندرو جان تازه‌ای بگیرند و به سوریه سرازیر شوند. حال، با تجربه سه ساله در جنگ سوریه، این نیروها بسیار قوی تر از گذشته هستند.

نقش هواداران صدام حسین

روزنامه [تلگراف لندن گزارش داده است](#) که برخی از نظامیان رژیم صدام حسین در جنگ شرکت دارند. [گروه نقش ابندی که یک گروه سنی و بعثی](#) در عراق است و رهبری آنرا عزت ابراهیم، یکی از نزدیکترین آدم کش‌های صدام حسین، در دست دارد از مدت‌ها قبل در عراق فعال است. بنا بر این، دستکم یکی از دلایل تحولات جدید تلاش حامیان صدام حسین برای بازگشت به قدرت، و یا دستکم تبدیل عراق به یک کشور پر آشوب بطوری که قابل اداره توسط دولت مرکزی نباشد میباشد، ضمن آنکه ضعف دولت مرکزی و جنگ‌های سیاسی بین گروه‌های مختلف، و اخراج بخش وسیعی از اعضای حزب بعث عراق از مشاغل دولتی نیز در بوجود آوردن اوضاع کنونی نقش داشته‌اند.

جنگ عربستان سعودی بر ضد امنیت ملی ایران

ولی مهمترین دلیل جنگ جدید در عراق عزم جزم عربستان سعودی برای مقابله با ایران، و بطور کلی قدرت شیعیان در منطقه است. بر خلاف نظر بسیاری، این جمهوری اسلامی نبود که جنگ شیعه با سنی را در منطقه براه انداخت. هجوم آمریکا و بریتانیا به عراق، سرنگونی رژیم صدام حسین که قدرت را از اقلیت سنی به اکثریت شیعه منتقل کرد، و ترس عربستان از نیرومند شدن هر چه بیشتر شیعیان در منطقه عامل و موتور اصلی سیاست خارجی عربستان است.

به یاد آوریم که ۱۵ در صد جمعیت عربستان را شیعیان تشکیل می‌دهند که اکثریت بزرگ آنها در مناطق نفت خیز آن کشور زندگی میکنند. با وجودی که هیچ نشانه‌ای از تحریک این اقلیت توسط جمهوری اسلامی در دست نیست، رژیم عربستان به این بخش از مردم خود مظنون است. در عین حال ۴۵ در صد مردم یمن را شاخه‌ای از شیعیان تشکیل می‌دهند، و ۷۰ در صد مردم بحرین و ۴۰ در صد مردم کویت نیز شیعه میباشند. دشمنی عربستان با ایران نیز موضوع جدیدی نیست. حتی در زمان محمد رضا شاه، با وجودی که هم ایران و هم عربستان متحد غرب و آمریکا بودند، رقابت‌های زیادی بین دو کشور وجود داشت. همچنین بخاطر داشته باشیم که جمهوری اسلامی به برخی از گروه‌های سنی در منطقه، مانند حماس کمک کرده و می‌کند.

عربستان سعودی آقای نوری المالکی، نخست وزیر عراق، را نوکر جمهوری اسلامی می‌داند که در جنگ سوریه از رژیم آقای بشار الأسد حمایت کرده است. در عین حال همانطور که گفته شد، عربستان از سقوط رژیم آقای اسد در سوریه ناامید شده است، و از نظر رژیم انکشور عراق شانس بعدی آن کشور برای ضربه زدن به ایران است. با وجودی که بعد از انتخاب آقای حسن روحانی به ریاست جمهوری، جمهوری اسلامی و وزیر خارجه آن دکتر محمد جواد ظریف سعی در بهبود روابط با عربستان و کشورهای عرب خلیج فارس داشته‌اند، عربستان از این موضوع استقبالی نکرده است. آقای سایمن هندرسون از انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک رژه اخیر ارتش عربستان و نمایش موشک‌های خریداری شده از چین که قادر هستند تهران را مورد هدف قرار دهند را [پیام عربستان به ایران](#) تفسیر می‌کند.

بخاطر داشته باشیم که این همان عربستان سعودی است که بر طبق اسناد افشا شده توسط ویکیلیکس، پادشاه آن سلطان عبدالله به دولت آمریکا فشار بسیار شدیدی آورد [که سر "افعی"، یعنی تاسیسات هسته‌ای ایران را بمباران کرده و نابود کند](#). این همان عربستان سعودی است که در بیست سال گذشته ده ها میلیارد دلار [اسلحه از غرب، چین، و کشورهای دیگر](#) خریداری کرده است، که تنها دلیل آن ایران بوده است. این همان عربستان سعودی است که با [بالا بردن تولید نفت خود به غرب](#) برای اعمال تحریمات کمر شکن اقتصادی بر ضد مردم ایران، از جمله کاهش فروش نفت ایران، کمک زیادی کرده است. بنا بر این جنگ عراق را در هر چهار چوب دیگری دیدن خطا است.

سناریوی لیبی و مصر؟

نیرو های ای اس ای اس قادر نخواهند بود که دولت عراق را سرنگون کنند، ولی جنگ عراق را تبدیل به یک لیبی دوم یا سوریه دوم خواهد کرد. در لیبی یک ژنرال ارتش لیبی در زمان معمر قذافی که سال‌ها در آمریکا زندگی میکرد و با سازمان سیا روابط نزدیک داشت، اخیراً دست به کودتا زد با این بهانه که کشور در آشوب کامل است. در مصر نیز عربستان به شدت از کودتای ژنرال عبدالفتاح السیسی حمایت کرد. در سوریه نیز غرب قصد انجام کار مشابهی را داشت و امیدوار بود که ارتش آزاد سوریه و احتمالاً یک افسر ناراضی ارتش دولت آقای اسد دست به کودتا بزنند، که ممکن نشد. بعید نیست که دولت عربستان سعودی امیدوار است که با افزایش آشوب و خونریزی در عراق یک چنین افسری ظهور کند.

منافع مشترک آمریکا و جمهوری اسلامی

جنگ در عراق و قدرت گرفتن هر بیشتر ای اس ای اس به سود منافع واقعی آمریکا نیست، چرا که یک نیروی رادیکال و مرتجع اسلامی با کنترل نواحی بزرگی از کشور مهمی مانند عراق میتواند از آن نواحی

بعنوان یک پایگاه برای حملات بعدی خود به کشورهای غربی استفاده کند. در حقیقت قدرت گرفتن اینگروه به سود منافع ملی واقعی عربستان سعودی در دراز مدت نیز نمیباشد، ولی مخالفت کورکورانه رژیم عربستان با ایران اجازه به حاکمان آن نمیدهد که آینده را بهتر مورد نظر قرار دهند. بخاطر داشته باشیم که عربستان نقش مهمی در خلق به اصطلاح مجاهدین افغانی نیز بازی کرد، ولی همان مخلوقاً بعدها در دهه ۱۹۹۰ در عربستان اقدام به بمب گذاری نمود.

بنا بر این شاید بتوان گفت که برای اولین بار از زمان انقلاب ۱۳۵۷، ایران و آمریکا منافع مشترکی در حل یک مساله مهم خاور میانه دارند. آیا این منافع مشترک به بهبود روابط میان دو کشور منتهی خواهد شد؟ باید منتظر ماند، ولی گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که مقامات ارشد جمهوری اسلامی گفته‌اند که ایران آماده است تا با آمریکا در باره حل مساله عراق و شکست ای اس ای همکاری کند..

کلام پایانی

جنگ عراق یک تهدید بزرگ بر ضد امنیت ملی ایران است. حتی اگر دمکراتیک‌ترین نظام سیاسی در ایران حاکم بود، این جنگ همچنان خطری بزرگ برای امنیت ملی ایران و یکپارچگی آن می‌بود. در ایجاد این تهدید، عربستان سعودی نقش اول را به عهده داشته است. به این جنگ نمی‌توان از دریچه بسیار تنگ "ما در برابر جمهوری اسلامی" نگریست. ایران دوستان باید منافع و مصالح ملی ایران را در نظر بگیرند، و این دریچه تنگ را در باره این موضوع بخصوص به کنار بگذارند.

نگارنده در مقاله‌ای در سال گذشته در باره جنگ سوریه این موضوع را مطرح کرد که چگونه منافع و مصالح ملی ایران توسط نتیجه جنگ سوریه تحت تاثیر قرار میگیرند، و این پرسش را مطرح کرد که از دیدگاه این منافع و مصالح آیا بقای رژیم آقای اسد تا انتخابات آزاد با سرپرستی سازمان ملل بهتر است، یا پیروزی شورشیان که بخش عمده آنها همین جنگندگان ای اس ای هستند؟ در آن زمان آمریکا-شیفتگان که طرفدار دخالت به اصطلاح بشر دوستانه در سوریه بودند، با مسخ پرسش نگارنده حتی مطرح کردن این پرسش را بعنوان حمایت نگارنده از جمهوری اسلامی و یا رژیم آقای اسد تفسیر نمودند، که هیچگونه اساسی در واقعیت نداشت. حال خوانندگان تصور کنند که اگر شورشیان در سوریه پیروز شده بودند، نتایج آن برای جنگ عراق و برای مصالح و منافع ملی ایران چه بود.